

بی بی شهربانو، افسانه یا تاریخ؟

به یزدگرد شاه ملک جم دهید خبر
که زاد دختر تو افتخار قوم بشر
شده عروس عزیز عزیز پیغمبر
بین تفضل یزدان که شهربانوی تو

مریم دارا

کارشناس ارشد فرهنگ و زبان های باستانی

باشد، در دست نیست. حتا گروهی او را دختر شیرویه و برخی دیگر شهربانو را دختر خسروپرویز دانسته‌اند.

این بانو دارای اسامی متعدد است، ولی شهربانو معروف‌ترین آن‌هاست. در قدیم در زبان فارسی «شهر» به معنی کشور بود و شهربانو معنی «بانوی کشور» داشت. از اسامی دیگر وی می‌توان به جهان‌شاه، شاه زنان، سلامه، غزاله، فاطمه، مریم و شهرناز اشاره کرد. می‌گویند بعضی از این اسامی را امیرالمومنین علی (ع) و اباعبدالله حسین (ع) برای او برگزیدند که غزاله از آن دسته است.

در سال ۲۱ هجری، سپاه ساسانی در جنگ نهاوند از اعراب مسلمان شکست سختی خورد. این پیروزی مسلمانان «فتح الفتوح» نام گرفت و در نتیجه، امپراتوری ساسانی در ایران پایان یافت و ملک ساسانی تکه‌تکه شد و تکلیف هر شهر به دست مرزبانی افتاد. یزدگرد سوم که متواری بود، عاقبت در مرو به دست آسیابانی به قتل رسید و می‌گویند دختران او به دست استاندار منصوب از جانب خلیفه اسلامی، به مدینه روانه شدند.

زمان تشریف این بانو به خدمت امام حسین (ع) کاملاً معلوم نیست که آیا در زمان حکومت حضرت علی (ع)، عثمان یا عمر بوده است. چندین روایت در این باره وجود دارد. شیخ مفید در کتاب **ارشاد** روایت کرده است که والی نواحی شرق حکومت اسلامی دو دختر یزدگرد را به مدینه، نزد امیرالمومنین فرستاد و ایشان شهربانو را به اباعبدالله (ع) و کیهان بانو، خواهر شهربانو را به محمد ابن ابی بکر بخشید که از شهربانو، حضرت زین العابدین (ع) و از خواهرش کیهان بانو، قاسم متولد شد. روایت دوم از شیخ صدوق و به نقل از سهل ابن قاسم بوشنجانی در کتاب **عیون اخبار الرضا** و نیز با استناد به گفته‌ی ابن بابویه است که به نقل از امام رضا (ع) آمده است که دو دختر یزدگرد را به مدینه نزد عثمان آوردند و عثمان شهربانو را به امام حسین (ع) و خواهرش را به امام حسن (ع) بخشید که از شهربانو زین العابدین (ع) متولد شد که هر دو دختر یزدگرد به هنگام تولد فرزندانشان وفات یافتند. در روایت سوم، قطب راوندی، اسارت شهربانو را مقارن با خلافت عمر می‌داند و این روایت در کتاب **خرايج و الجرائع** از امام باقر (ع) نقل شده است. دکتر عبدالحسین نوائی به نقل از **قابوسنامه**

□ بنابر مستندات تاریخی، مقام زن، همسر و مادر همواره جایگاه و احترام خاصی در ایران داشته است. یکی از زنان ایرانی که جایگاهی عظیم و محترم در ایران دارد، بی بی شهربانو (س) است که به روایتی همسر امام حسین (ع) و مادر امام چهارم شیعیان، امام زین العابدین (ع) است. متأسفانه هنوز ناگفته‌های فراوان درباره‌ی این زن عظیم‌الشان وجود دارد. در این مقاله سعی شده است روایات و نظریات گوناگون درباره‌ی بی بی شهربانو و مزار او بررسی شود و مقام این زن ایرانی معرفی گردد.

اکثر سادات ایران خود را از نسل امام زین العابدین می‌دانند که به قول معروف مادرش، شهربانو دختر یزدگرد آخرین پادشاه ساسانی است و به همین دلیل هم سید ضیاءالدین طباطبایی به شوخی خود را «سید یزدگردی» می‌خوانده است. (باستانی پاریزی، **کلاه گوشه‌ی دهقان**، ۲۸۴) طبق روایات اسلامی، شهربانو مادر همه‌ی ائمه از نسل امام حسین (ع) است و در **اصول کافی** (ج ۱، ص ۴۶۷) می‌خوانیم که حضرت علی (ع) خطاب به امام حسین (ع) می‌فرماید: «مواظب او باش و با او نیکی کن که بهترین خلاق را برایت بعد از تو به دنیا می‌آورد.»

این بانوی مطهر ایرانی همیشه مورد توجه شیعیان بوده است و بقعه‌ی در ری بدو اختصاص داده شده است. ملّا محمدباقر مجلسی در **جلاءالعیون** می‌نویسد: «مادر آن جناب (سید سجاد) شهربانو دختر یزدگرد این شهریار، پادشاه عجم بود.» ولی گروهی شهربانو را مادر امام چهارم نمی‌دانند گروهی نیز نام‌های دیگری به جز شهربانو به او نسبت داده اند. محققان معاصر با ذکر دلایل و قراین، روایات قدیمی در مورد بی بی شهربانو، زندگی، مرگ و محل دفن او را صحیح نمی‌دانند.

اساساً حکایت بی بی شهربانو یکی از غوامض مسائل تاریخی ایران اسلامی است و صورت معمایی حل ناشدنی به خود گرفته است. مورخانی چون یعقوبی می‌گویند شهربانو، دختر یزدگرد سوم، آخرین پادشاه ساسانی بود که در مرو خراسان متولد شد و تا سنین جوانی در کنار خانواده‌اش در ایران می‌زیست. البته به نظر مری بویس هیچ بنیان تاریخی و روایت کتبی مبنی بر این که شهربانو دختر یزدگرد سوم

گفته است که شهربانو، خود حسین ابن علی را برگزید.

در اکثر کتب تاریخی، داستان اسارت شهربانو مقارن با خلافت عمر معرفی شده است و مردم معتقدند که عمر خواست او را چون کنیزی بفروشد، ولی امیرالمومنین (ع) مانع او شد و خواست که آن دختر را شوهر دهند و او خود حسین ابن علی را برگزید. هم‌چنین ذکر شده است که خواهر سوم شهربانو، مروارید، نیز از زنانی بود که به عقد مسلمانان درآمد و از او نیز عبدالله ابن عمر زاده شد که از بهترین‌های زمان خود بود.

امام حسین (ع) زنان کمی داشت که اولین آن‌ها شهربانو بود. وی چهار همسر اختیار کرد و از ایشان فرزندان با نام‌های سکینه خاتون، علی اکبر، فاطمه و جعفر متولد شدند. برخی علی‌اصغر را نیز فرزند شهربانو می‌دانند که در هنگام واقعه‌ی کربلا هر دو پسر شهربانو حضور داشتند؛ علی‌اصغر شش ماهه بود و سید سجاد بیست و پنج ساله.

در متون تاریخی آمده که با اینکه شهربانو از بهترین پرورش

یافتگان ایران بود و کامل‌ترین تربیت را در وطن خویش دیده بود، نیاز به آن داشت که شخصی

او را با زبان و آداب اعراب آشنا کند، ضمن آن که آن شخص به زبان ایران تسلط داشته باشد که این شخص سلمان فارسی بود.

شباهت‌های زیادی میان

داستان زندگی شهربانو و نرجس

خاتون (س)، مادر امام زمان (عج) و

همسر امام حسن عسگری (ع)

وجود دارد. نرجس کنیزی بود با

عفت که قرار بود در بغداد فروخته

شود. نام او ملیکه، دختر یسوعا، پسر

قیصر روم و مادرش از فرزندان حواریون بود

و نسب او به شمعون، وصی عیسی می‌رسید.

امام حسن عسگری (ع) این بانو را خریداری کرد

و به همسری خویش در آورد. بنابر این، نرجس و

شهربانو هر دو شاهدگانی بودند که به همسری

اُمّه درآمدند و از پاک‌ترین عروسان خاندان نبوت به‌شمار آمده‌اند که

مادر بهترین‌های اسلام هستند.

درباره‌ی مرقد مطهر شهربانو (س) دیدگاه‌های متفاوتی وجود

دارد. بین علما و مورخینی همچون ملاً محمد باقر مجلسی در

جلاء‌العیون معروف است که حضرت شهربانو به‌هنگام تولد امام

سجاد در مدینه درگذشت و در قبرستان بقیع به‌خاک سپرده شد. برخی

گویند که مادر امام سجاد، مدتی پس از تولد کودک در ماه شعبان از دنیا

رفت و در کوفه او را به خاک سپردند. محمد هاشم خراسانی در

منتخب‌التواریخ دو روایت نقل کرده است. یکی این‌که شهربانو در

جنگ کربلا حضور داشت و دیگر اینکه مدت‌ها قبل از این واقعه

درگذشته بود. در کتاب **معارف** اثر ابن قتیبه آمده که شهربانو پس از

واقعه‌ی کربلا به صلاح‌دید پسرش، حضرت سجاد (ع)، به ازدواج زید از موالی حسین (ع) درآمد. ابن بابویه به‌نقل از امام رضا (ع) نقل کرده که شهربانو با تولد امام سجاد درگذشته بود و یکی از کنیزان حسین (ع)، امام سجاد را پروراند که وی آن زن را مادر خطاب می‌کرد. این زن پس از شهادت حسین (ع) به سفارش سجاد (ع) به عقد یکی از شیعیان درآمد.

در **تذکره‌الخوانین** آمده و در میان مردم نیز مشهور است که شهربانو در روز عاشورا در کربلا بوده و حسین (ع) به او که از همه تنهاتر بود، سفارش کرده است که پس از شهادت وی و بازگشتن ذوالجناح، اسب آن حضرت، شهربانو بر آن سوار شود تا او را به جایی که مقدر شده است برساند. شهربانو چنین می‌کند تا این‌که به حوالی

ری به غاری می‌رسد و به درون آن غار می‌رود و غایب می‌شود.

مری بویس افسانه‌یی فولکلوریک نقل کرده است که دشمنان

حسین (ع) در پی شهربانو بودند و زمانی به او می‌رسند که به ری

نزدیک شده بود و با درماندگی کوشید خدا را بخواند و از او طلب یاری

کند ولی به جای «یا هو»، زبان خسته‌اش «یا کوه» را بر

زبان آورد. پس کوه به‌شکل معجزه آسایی

شکافته شد و او زنده از میان صخره‌ها

گذشت و فقط تکه‌یی از چارقش از کوه

بیرون ماند. دشمنان هنگام شب

می‌رسند و تکه‌ی چادر شهربانو را

می‌بینند و سه سنگ روی آن،

نشان می‌گذارند تا فردا کوه را

بشکافند ولی فردا تمام کوه، سه

سنگ سه سنگ روی هم گذاشته

شده بود و دشمنان نشان خود را گم

کردند. هنوز هم زوار بی‌بی، نیت

می‌کنند که سه سنگ روی هم بگذارند.

هم اکنون در جنوب تهران، بر سر

جاده‌ی ورامین، در دامنه‌ی کوهستان شمال

امین‌آباد که شعبه‌یی از رشته‌کوه‌های البرز است،

در حاشیه‌ی جنوب شرقی ری کهن، بر فراز

صخره‌یی که از دامنه‌ی کوه پیش آمده است، گنبدی

مینایی دیده می‌شود که از کهن‌ترین بناهای اسلامی ایران است

و مردم آن را «بقعه‌ی بی‌بی شهربانو» می‌نامند. این کوه نیز

به‌مناسبت همین بقعه، «کوه بی‌بی شهربانو» نامیده می‌شود. این بنا

تنها بنایی‌ست که از دوران آبادانی شهر ری هنوز آباد مانده است. این

بقعه جنبه‌ی تبرک دارد و منسوب به دختر آخرین شاه ساسانی است و

چون متعلق به بانویی ایرانی و زوجه‌ی حضرت سیدالشهدا (ع) است،

نزد ایرانیان و شیعیان دارای حرمت ویژه‌یی‌ست. در این‌جا حفظ سنت

قدیمی ایرانی را با رعایت آداب و قواعد اسلامی به‌وضوح می‌توان

مشاهده کرد. این بنا حتا نزد زردشتیان از حرمت خاصی برخوردار

است.

بنای مذکور در سطح مستطیلی ۳۳ در ۲۲ متر قرار دارد که سه



آناهیتا

طرف آن را دیواری از دوران آل بویه محصور کرده است. این بنا از سنگ و گچ ساخته شده و طاق‌های آن آجری‌ست. بنای اصلی در جبهه‌ی جنوبی قرار دارد و از ساختمان، این‌گونه برمی‌آید که هسته‌ی اصلی آن در دوران ساسانی ساخته شده و در قرن چهارم برای آرامگاه مورد استفاده قرار گرفته و قسمتی نیز به آن افزوده شده است. قدیمی‌ترین قسمت ساختمان فعلی زیارتگاه، متعلق به حدود قرن ششم هجری‌ست که بعدها در دوران صفویه و قاجار گسترش یافت. در دوره‌های بعد، این فضا به دو صحن بیرونی و اندرونی یا مردانه و زنانه تقسیم شد. حرم و طاق جنوبی آن از دوران ساسانی و دیوارهای خارجی صحن یادگار عهد آل بویه و سلجوقیان است. در قرون متأخر، رواق و دیوارها و اطاق‌های محوطه را به شکل بقعه‌ی کنونی ساختند که سقف آن آئینه کاری شده است. در محراب اندرونی زیارتگاه، آرامگاهی‌ست که پیکری را به شیوه‌ی امامزاده‌ها در آن دفن کرده‌اند که گویا در قرن نهم کنده شده است و می‌گویند که بقایای شهربانو را در خود دارد. البته احادیث نبوی، نام و القاب حضرت شهربانو در روی صندوق قبر مثبت کاری شده است و تاریخ روی آن متعلق به قرن نهم هجری‌ست و قدیمی‌ترین کتیبه‌ی بقعه است. ابعاد این صندوق ۱/۷۸ در ۰/۹۷ در ۰/۹۸ است و در جنوب غربی حرم، متصل به دیوار است و کتیبه‌های آن، عموماً به خط ثلث و برجسته هستند. در دوران قاجار نیز گچ‌بری و تزئیناتی در این بقعه انجام شد و به‌جای گنبد آجری ساسانی بنا، گنبد کاشی کاری مینایی گذاشته شد. بنابر این همان‌طور که مشاهده کردیم، در طول قرون متمادی، این بقعه مورد توجه و ارادت مردم از منتهی مختلف بوده است.

در طول سالیان اخیر امور خیریه‌ی شهر ری و بانیان خیرخواه، تعمیرات اساسی در این بقعه انجام داده‌اند و در سال ۱۴۰۴ قمری، ضریحی بسیار زیبا روی قبر منسوب به بی‌بی شهر بانو ساخته و نصب شد. این بنا در فهرست آثار تاریخی ایران با شماره‌ی ۲۵۶ به ثبت رسیده است.

در کنار مسجد و امامزاده غاری‌ست که در آن تصاویر و شمایل ائمه‌ی اطهار به زوار آرامش می‌بخشد. در این زیارتگاه سنگی، مدخلی کوچک با نوری ملایم، شمع‌های نذر شده برای بی‌بی و نوری که از طریق پیروی به‌داخل می‌تابد، روشنگر قلب‌هاست. مردم با خلوص نیت سنگ‌ریزه‌هایی را از کف غار جمع می‌کنند و به دیوار می‌زنند و معتقدند که اگر سنگ ریزه به دیوار بچسبید، نیتشان برآورده می‌شود و زمانی که دیواره‌ی غار، سنگ ریزه‌ی را به خود جذب می‌کند، صدای مملو از شادی صاحب حاجت، برمی‌خیزد.

امروزه در روزهای تعطیل، مردم تهران و حومه و افغانی‌های مقیم ری، گاهی پیاده و گاهی سواره، از جاده‌ی ماریج بقعه بالا می‌آیند و دورتادور آن جمع می‌شوند و این فضا را پر از جنب و جوش می‌کنند و گاهی در روزهای خاص و اعیاد، نذری‌های خود را در میان مردم پخش می‌کنند. آمدن به این محل، هم زیارت است و هم سیاحت.

کسانی هم‌چون عبدالحسین نوایی، مری بویس و باستانی پاریزی گمان برده‌اند که ارتباط میان افسانه‌ی شهربانو با شهر ری به‌واسطه‌ی وجود مکانی مقدس بوده که قبلاً به آن‌ها، ایزدبانوی آب‌ها در دین زردشتی تعلق داشته است و به این ترتیب، مردم این منطقه در هیات

اسلامی به ستایش این مکان مقدس ادامه داده‌اند، چون آن‌ها با عنوان بانو داشته است و احتمالاً زیارتگاهی در ری با عنوان شهربانو (بانوی کشور و سرزمین) به او اختصاص یافته است. حوضچه‌ی آب مقدس در پای تپه‌های مشرف به زیارتگاه که زیارت‌کنندگان پیش از ورود، به آن متوسل می‌شوند و هم‌چنین وجود قلعه‌ی گبرها در نزدیکی این محل، می‌تواند مؤید این ارتباط باشد. مهرداد بهار بر آن است که اکثر مساجد و امامزاده‌های مسلمانان در کنار چشمه‌ی بنا می‌شدند. در یزد، زیارتگاه‌های مشابه بی‌بی شهربانو، فراوان یافت می‌شود که داستانی مشابه با شهربانو به آنها نسبت داده می‌شود و این داستان پناه‌دادن کوه یا زمین، خود جنبه‌ی اساساً زردشتی دارد. مری بویس می‌گوید که مزارات یزد نیز در کوه هستند و در زیارتگاه‌های زردشتیان کسی مدفون نیست. زیارتگاه‌های دیگری را نیز به دختران یزدگرد نسبت داده‌اند که در حال فرار از دشمن بودند. هم‌چنین در قدیم، در ناحیه‌ی بین‌النهرین و ایران، پری‌ها و ایزده‌های نباتی فراوانی وجود داشتند که از زمین خارج می‌شدند و دوباره به زمین بازمی‌گشتند. البته ادوارد براون این مکان را آتشکده‌ی باستانی می‌داند.

در متون قدیمی از انتساب این بقعه به شهربانو سخنی نیست، بلکه از خاک‌سپاری وی در قبرستان بقیع شواهدی وجود دارد. از سده‌ی نهم هجری، این بقعه را به شهربانو نسبت داده‌اند و از سده‌ی سیزدهم در برخی منابع از بقعه‌ی بی‌بی شهربانو نام برده شده است و اعتقادات عامه‌ی مردم، شهربانو را با ری متصل کرده است.

اگر این قول که شهربانو در جایی غیر از ری دفن شده، صحیح باشد، چه اشکالی دارد که در ایران نیز، جایگاهی برای زنده نگه‌داشتن یاد این بانوی گرمی ساخته شود؟ مگر نه این است که مقبره و بقعه، در اصل جایی برای حفظ یاد و خاطره‌ی افراد است؟ شاهد آن‌که در هند نیز در شهرهای شیعه‌نشین، مزارهایی به‌نام کربلا و نجف با گنبد و بارگاه وجود دارد که زیارتگاه شیعیانی‌ست که امکان سفر به آن عتبات را ندارند.

طبق روایات متعدد، حضرت بی‌بی شهربانو (س) نه تنها مایه‌ی مباحثات شیعیان جهان بلکه ما ایرانیان است، چون وجود نورانی نه‌ام شیعیان از بانویی ایرانی به‌وجود آمده است. به این ترتیب ائمه‌ی اطهار از امام چهارم به بعد، از سوی مادر به شهربانو انتساب می‌یابند. ■

منابع

- ۱- امیدسالار، محمود، **جستارهای شاهنامه شناسی**، ۱۳۸۱، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- ۲- بویس، مری، ترجمه‌ی سیروس نصرالله زاده، «بی‌بی شهربانو»، **یاد بهار**، ۱۳۷۶، تهران، آگه.
- ۳- همو، ترجمه‌ی دکتر حسن جوادی، «بی‌بی شهربانو و بانو پارس»، **بررسی‌های تاریخی**، آبان‌ماه ۱۳۴۶، سال دوم، شماره‌ی ۴۳.
- ۴- بهار، مهرداد، **از اسطوره تا تاریخ**، ۱۳۸۱، تهران، چشمه.
- ۵- حلویان، حسین، **عروس آل رسول (ص)**، شریعت قم.
- ۶- **دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی**، ذیل مدخل «بی‌بی شهربانو/ بقعه».
- ۷- شاملو، احمد، **کتاب کوچه**، ذیل مدخل «بی‌بی شهربانو»، تهران، ۱۳۷۷، مازیار.
- ۸- عسگری، مسعود، **آثار بازممانده از ری**، مرداد ۱۳۸۴، اداره‌ی میراث فرهنگی و گردشگری شهرستان ری.
- ۹- **فرهنگ فارسی**، دکتر محمد معین، ذیل مدخل «بی‌بی شهربانو»، ۱۳۶۳.
- ۱۰- **لغت‌نامه‌ی دهخدا**، ذیل مدخل «بی‌بی شهربانو» و «شهربانو»، ۱۲۸۵-۱۳۳۴.
- ۱۱- مزداپور، کتایون، **زردشتیان**، ۱۳۸۲، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.